

خبر

بررسی دوباره قرارداد خرید ایرباس و ای‌تی‌آر

● در نخستین نشست کارگروه مشترک حمل‌ونقل ایران و فرانسه، قرارداد‌های خرید هواپیماهای ایرباس و ای‌تی‌آر بررسی شد. به گزارش پایگاه خبری وزارت راه‌وشهرسازی، اولین نشست کارگروه مشترک حمل‌ونقل جمهوری اسلامی ایران و جمهوری فرانسه به ریاست «اصغر فخریه‌کاشان»، قائم‌مقام وزیر راه‌وشهرسازی ایران و «کریستان اسه انی»، نماینده وزیر حمل‌ونقل فرانسه و عضو دائم شورای محیط زیست و توسعه پایدار آن کشور برگزار شد. در این نشست طرفین به بحث و گفت‌وگو حول ۱۰ محور در حوزه‌های هوایی، دریایی، ریلی و جاده‌ای پرداختند که برخی از آنها به این شرح است: «بررسی قراردادهای خرید هواپیماهای ایرباس و ای‌تی‌آر میان طرفین و نحوه اجرای آن، بررسی قرارداد خرید رادر بین شرکت «تالس» فرانسه و شرکت فرودگاه‌ها و ناوبری هوایی، همکاری‌های لجستیکی و ترانزیتی برای جابه‌جایی کالا از شرق آسیا تا غرب اروپا و برعکس و تبدیل‌شدن ایران به یک «هاب لجستیکی»، بررسی درخواست‌ها و نیازهای راه‌آهن در زمینه خرید قطعات و تجهیزات ریلی، همکاری‌های کلی دریایی و بندری میان طرفین و تعریف زمینه‌هایی که می‌توان در آنها همکاری کرد، امکان‌سنجی همکاری با شرکت‌های مهندس مشاور فرانسوی، همکاری شرکت‌های فرانسوی با شرکت شهر فرودگاهی امام خمینی (ره) و همکاری درباره فرودگاه‌های شهرهای مشهد و اصفهان».

ادامه از صفحه اول

موضع‌گیری خارجی در قبال اعتراضات ایران

به‌رحال به نظر می‌رسد همه بر اهمیت پرداختن به‌خواسته‌های جامعه توافق دارند. مطالبات مردم خصوصا در عرصه اقتصادی مشهود است. تخلفات مالی و دیگر نابسامانی‌ها واکنش خاص جامعه را در پی داشت که برخی از این واکنش‌ها قابل پیش‌بینی بود. در عین حال بعد از انعقاد توافق پ‌رامن نیز انتظاراتی ایجاد و دامن زده شد که تفاهم با جامعه جهانی احتمالا بتواند مشکلات اقتصادی جامعه را تا حدی کاهش دهد. وعده‌های آفتاب روحانی در زمینه آزادی مثل کشایش‌های سیاسی نیز هنوز جامعه عمل پوشانده نشده است و گفته شد اینها در اختیارات قوه قضائیه است. مجموعه این نارسایی‌ها سبب شد ناراحتیانی در جامعه خود را نشان دهد. آنچه در مشهد آغاز شد و مورد تأیید برخی صاحبان تریبون و اصولگرایان قرار گرفت، علیه دولت روحانی و اصلاح‌طلبان بود؛ هرچند در ادامه فریاد آن متفاوت شد و ایران را درگیر چالشی جهانی هم کرد که می‌توانست به این شکل نباشد. به هر تقدیر درست یا غلط- این‌طور تغییر شد که آغاز اعتراضات در مبنای اختلافات جناحی شکل گرفت اما پیامدهای آن بازتاب‌های جهانی خاص خودش را داشت و بدون تردید آثار داخلی و خارجی آن بیش از امروز پدیدار خواهد شد. این رویدادها لزوم بازنگری جدی و گسترده را در سطح کشور مطرح کرده است و انتظار می‌رود به نظرات و مطالبات مردم پاسخ مثبت داده شود. در غیر این صورت حتی احتمال نوعی واکنش کور اجتماعی نیز دور از ذهن نیست. این‌امیدواری وجود دارد که صدای معترضان شنیده شود چراکه هر مسئولی باید از واقعیات کشور آگاه باشد و مشکلات مردم را درک کند. رئیس‌جمهور برخلاف مواضع رئیس دولت نهم در چند سال قبل، تلاش کرد این تجمعات را به عنوان حق یک جامعه باز و آزاد موجه جلوه دهد، اما وقتی روند تغییر کرد از مردم خواست مطالبات خود را تعدیل کنند تا بازدارندگی ایجاد شود و امکان ادامه مطالبه‌گری وجود داشته باشد. مصالح مردم و حاکمیت همیشه باید در جهت حفظ و اعتلای مصالح و منافع ایران باشد. منافع ملی ایران در فضای آشفته جهانی بر همه امور اولویت دارد و همگان باید نسبت به تأمین منافع حیاتی کشور حساس باشند. کشور ما در منطقه حساس واقع شده و با قدرت‌های فرامنطقه‌ای درگیر است. یک جامعه دموکراتیک باید متکثر باشد و بتواند برای نیل به سعادت مردم و توسعه اقتصادی، روش‌های خاص خودش را اتخاذ کند؛ اما حفظ و بقای مملکت و اعتلای منافع ملی باید در اولویت باشد. به بیان دیگر دولت و شهروندان وظیفه تاریخی و اجتماعی خاصی دارند. به هر حال رویدادی پیش آمده و همه باید در مقام ارزیابی مجدد برآیند و در جهت خیر، مصالح و منافع مردم ایران تصمیم‌گیری کنند. توجه داشته باشیم مواضع رئیس‌جمهور امریکا بعد از وقوع رویداد اعتراضات اعلام شد و فضای ماه‌های آینده مشخص می‌کند که تصمیمات ترامپ و واکنش ایران نسبت به رفتار او، چه سمت و سویی خواهد داشت. با توجه به اینکه تبارشناسی تجمع‌کنندگان روشن نیست اما طبقات محروم اقتصادی که بر اثر نارسایی‌ها زندگی‌شان دچار نابسامانی شده، بیشتر در میان معترضان حضور دارند و این نکته‌ای است که کشورهای دیگر را متوجه خود کرده است. در ایران بخش قابل توجهی از مردم نیز به دنبال فضای باز سیاسی هستند و تحسینکردگان بی‌کار که شغل مناسب نیافته‌اند و با مشکلات اقتصادی و پیامدهای اجتماعی آن روبرو هستند نیز بخش دیگری از جامعه هستند که احتمالا در محاسبات ایالات متحده در نظر گرفته نشده و نوعی خطای تحلیل و شنایزدگی در آنان را نشان می‌دهد.

محمد مساعد: از جیب گذشته، به فرش زیر پا رسیدیم. این شاید نزدیک‌ترین تعبیر به وضعیت فعلی صندوق‌های بانزنتسگی در کشور باشد؛ صندوق‌هایی که روزی برای تأمین اجتماعی کارگران و کارمندان تحت پوشش خود تشکیل شده بودند و قرار بود با سود سرمایه حاصل از حق‌بیمه اعضایشان، تأمین‌کننده رفاه آنان باشند؛ اما امروز به مرحله‌ای رسیده‌اند که از پرداخت حقوق و عیدی مستمری‌بگیران خود نیز عاجزند. کار که از رسیدن به سود گذشت، خرج از جیب صندوق‌ها آغاز شد؛ اما چند سالی است که بحران صندوق‌ها به آنجا رسیده که دیگر در جیب هم پولی برای خرج‌کردن نمانده و کار به فروش اموال صندوق‌ها برای پرداخت حقوق و مستمری بانزنشستگان رسیده است. در آخرین گام، حالا از مجلس خبر می‌رسد که قرار است برای پرداخت حقوق کارکنان صندوق بانزنشستگی فولاد، قسمتی از اموال این صندوق به فروش برسد.

تصمیم‌مجلس

نادر قاضی‌پور، نماینده مردم ارومیه در مجلس شورای اسلامی، هفته گذشته از تصمیم مجلس برای فروش قسمتی از اموال صندوق‌ها برای پرداخت حقوق بانزنشستگان و همین‌طور طرح ادغام صندوق فولاد و صندوق بانزنشستگی کشوری خبر داد و گفت: «طرح ادغام مؤسسه صندوق حمایت و بانزنشستگی کارکنان شرکت فولاد در صندوق بانزنشستگی کشوری، با حضور معاونان وزارتخانه‌های صنعت، معدن و تجارت، تعاون، کار و رفاه اجتماعی و سازمان خصوصی‌سازی در مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در دستور کار بود. همچنین موافقت شد دولت با تغییر و اصلاح قانون بودجه سال ۹۶، حقوق سه ماه آخر سال و عیدی بانزنشستگان فولاد را از محل فروش اموال مازاد تأمین اجتماعی یا صندوق بانزنشستگی فولاد تأمین کند». در این بین، به نظر می‌رسد اشاره به فروش اموال مازاد تأمین اجتماعی، اشتباه لپی این نماینده مجلس باشد؛ زیرا عملا فروش اموال سازمان تأمین اجتماعی برای پرداخت حقوق کارکنان یک صندوق دیگر، قانونی و منطقی نیست؛ اما فروش اموالی که به گفته قاضی‌پور «مازاد» هستند، نشان می‌دهد نته‌ها این صندوق نیز مانند دیگر صندوق‌های بانزنشستگی کشور عملا قدرت پرداخت هزینه‌های خود را ندارند، بلکه دولت نیز در اجرای تعهداتش در قبال آنها ناتوان شده و تنها راه باقی مانده،

اقتصاد

مجلس: اموالتان را بفروشید، وزارت کار: چیزی برای فروش نداریم

کار صندوق‌های بانزنشستگی به فروش اموال رسید



یعنی فروش اموال، در پیش گرفته شده است؛ راهی که مشخص است نمی‌تواند درمان قطعی درد صندوق‌ها باشد و سرانجام کار به جایی خواهد رسید که دیگر اموالی برای فروش هم نخواهد ماند.

اموالی که خصوصی شدند، درد‌هایی که عمومی ماندند

یکی از ویژگی‌هایی که وضعیت صندوق بانزنشستگی فولاد را عجیب‌تر از دیگر صندوق‌ها می‌کند، بالاکلفی تاریخی بانزنشستگان این صندوق است. کارگران تحت پوشش این صندوق، در واقع کارگران صایعی مانند ذوب‌آهن و فولاد مبارکه بوده‌اند که در راستای سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی، به بخش خصوصی واگذار شده‌اند؛ اما بخش خصوصی مسئولیتی را مقابل این بانزنشستگان قبول نمی‌کند. جمعی احمدی، نماینده کانون‌های معدنی و فولاد کشور، در گفت‌وگو با ایمناد دراین‌باره گفته است: دولت معتقد است بانزنشستگان مجموعه‌هایی مانند ذوب‌آهن و فولاد مبارکه، گلگهر، شاهرود، کرمان و... دیگر نیز نظر صندوق بانزنشستگی کشوری نیستند. تمام واحدهای ما پیش از خصوصی‌سازی دولتی بودند و کسورات ما به صندوق بانزنشستگی کشور واریز می‌شد؛ اما بعد از خصوصی‌سازی این مجموعه‌ها، دولت به‌طور غیرقانونی صندوق بانزنشستگی فولاد را ایجاد کرد. ایجاد این صندوق با قانونی که شتاب‌زده از مجلس گرفته شد و بدون آینده‌نگری و خلاف قانون بوده؛‌به‌طوری‌که امروز توان پرداخت حقوق بانزنشستگان خود را ندارد. این مشکلات صندوق فولاد تنها محدود به پرداخت با تأخیر حقوق بانزنشستگان نیست و مشکلات

نمایندگان رسیدگی به پرونده حادثه نفت‌کش سانچی را با بررسی کم‌کاری‌ها پیگیری می‌کنند

۳ دستگاه در مظان اتهام

در مجلس این گمانه‌زنی وجود دارد که شاید چینی‌ها بی‌میل نبوده‌ند مواد داخل تانکر نفت‌کش کامل سوخته و روی دریا و سواحل این کشور، آلودگی زیست‌محیطی ایجاد کند و هزینه‌های سنگینی برای پاکسازی آن، به چین تحمیل شود.

از وزارت خارجه گله‌مندیم

خرانه‌ی در ادامه در پاسخ به اینکه آیا کم‌کاری وزارت خارجه در اعمال فشار دیپلماتیک بر چین در مجلس مورد پیگیری قرار خواهد گرفت یا خیر، می‌گوید: انتظار در جامعه بر این بود که چون حادثه به‌شدت عظیم و فجیع بوده و خسارات انسانی آن بالا بود، از همان ابتدا باید از حداکثر ظرفیت دیپلماتیک استفاده می‌کردیم. نه اینکه دستگاه دیپلماسی کشور مسئولیت خود را به کنسولگری در شانگهای یا شرکت ملی نفت‌کش واگذار کند. این دو، ظرفیت محدودی دارند و برد انگذاری آنها در حد و اندازه این فاجعه بزرگ نبود و باید از جایگاه بالاتری با این موضوع پیگیری می‌شد تا چینی‌ها نیز با احساس مسئولیت و جدیت بیشتری، حادثه را پیگیری می‌کردند. اینکه بعد از ورود وزارت خارجه، سفیر ایران در پکن موضوع را پیگیری کند یا وزارت رفاه پس از چهار روز پیگیر شوند، معنادار نیست و جای گله دارد.

طرح سؤال از ظرف در صورت قانع‌کننده نبودن گزارش

سخنگوی کمیسیون انرژی مجلس با بیان اینکه به عقیده مجلس، دستگاه دیپلماسی از حداکثر توان خود بهره نرفته است، می‌گوید: شاید درایانوردان در همان انفجار اولیه جانشان را از دست داده باشند که آن هم مشخص نیست، بااین حال دولت موظف بود از حداکثر ظرفیت استفاده کند. علاوه بر آنکه این حادثه در سرزمینی اتفاق افتاد که در حیطه مدیریت ایران نبود و هر اقدامی که انجام می‌شد، دستگاه دیپلماسی باید مسیر را هموار می‌کرد. بنابراین از وزاری مربوطه دعوت می‌شود تا در کمیسیون‌های مربوطه به پرسش نمایندگان پاسخ دهند و اگر پاسخ‌ها در قالب گزارش‌های ارائه‌شده قانع‌کننده نباشد، کار به سؤال می‌کشد اما ممکن است فعالیت‌هایی از سوی وزارتخانه انجام شده اما به‌صورت رسانه‌ای اعلام نشده باشد. او با بیان اینکه حرف‌وحديث‌هایی درباره قطع رادر چند ساعت قبل از وقوع حادثه وجود دارد، می‌گوید: مواردی از این دست سوالات بی‌پاسخی است که مسئولان باید به مجلس جواب دهند. علاوه‌براین کارشناسان ایران اجازه مصاحبه با خدمه کشتی مقابل را هنوز پیدا نکرده‌اند و این نیز محل پرسش است. حرف‌خانی با اشاره به اینکه باید توضیح و تشریح‌چهاره، مسائل خاتمه نمی‌یابد، می‌افزاید: منتظر رمزگشایی از جعبه سیاه هستیم تا حقایق نامکشوف ماجرا مشخص شود. به گفته این نماینده مجلس، پیگیری‌ها برای بازگشت پیکر دریانوردان کماکان ادامه دارد، اما تا آن زمان به سبب قطعی‌بودن مرگ آنها، تشییع جنازه برگزار می‌شود.

ابهامات مجلس درباره حادثه نفت‌کش سانچی

سیدمحسن علوی، سخنگوی کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی (کمیسیون پیگیری‌کننده حادثه نفت‌کش سانچی)، در گفت‌وگو با «شرق» می‌گوید: در پی محول‌شدن مأموریت رسیدگی به حادثه سانچی از سوی ریاست محترم مجلس، محمدمهدی برومند، نایب‌رئیس کمیسیون، به چین اعزام شد تا مسائل را از ابتدا تاکنون بررسی کند؛ زیرا سوالات و ابهامات پرشماری درباره این حادثه وجود دارد. علوی در ادامه با اشاره به اینکه هنوز مسئولان در چین حضور دارند تا اگر می‌توانند ابعاد دریانوردان را به‌کنور بازگردانند تا شناسایی شوند، گفت: مهم شناسایی اجساد است تا خانواده‌ها حداقل آثاری از عزیزانشان به دست آورند. این نماینده مجلس با بیان اینکه همکاری برخی کشورها در این حادثه مناسب نبوده، ادامه می‌دهد: بااین‌حال منتظر هستیم نماینده کمیسیون از چین به کشور بازگرد و گزارش‌ها را مکتوب و شفاهی ارائه کند.

کمیسیون امنیت ملی در باره سانچی جلسه‌ای تشکیل نداده

سخنگوی کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی در پاسخ به اینکه شیوه

مانده که خود نشانه دیگری از بحران جدی صندوق‌های بانزنشستگی در کشور است. در ادامه این اطلاعیه آمده است: «در این رابطه وزارت کار نیز اعلام نموده است اموالی جهت فروش ندارد و لذا مشخص می‌شود در نحوه نگارش بودجه کارشناسی لازم لحاظ نگردیده است و این صندوق را با مشکل اساسی در تأمین حقوق روبه‌رو نموده است. در این راستا علیرغم اینکه همه تلاش‌ها و راینی‌ها جهت حل مشکل به‌صورت مکتابه بسیار زیاد و جلسات مختلف و غیره انجام و نمایندگان محترم و مقامات عالی وزارتخانه مکاتبات متعددی انجام نمودند ولیکن عملا به‌دلیل تنگناهای بودجه‌ای تاکنون مشکل مرتفع نگردیده است و لذا این صندوق علیرغم نظریه کارشناسی و عدم موقعیت مناسب بازار سرمایه ناچارا به جهت حل مشکل حقوقی اقدام به عرضه و فروش سهام‌های در اختیار نموده که در یک نوبت عرضه موفقیتی حاصل نگردید و مجدداً با بازاریابی مجدد اقدام در اولین فرصت و طی تشریفات بورسی و با قیمت مناسب حقوق ماه‌های اخیر از محل فروش سهام تأمین و پرداخت می‌گردد». این توضیحات مدیران صندوق فولاد نیز به‌خوبی گویای وضعیت بحرانی این صندوق است؛ بحرانی که کمابیش دامن همه صندوق‌های بانزنشستگی را گرفته است.

زنگ‌ها برای چه کسی به‌صدا درمی‌آیند؟

در ماه‌های گذشته به‌صورت پیاپی شاهد تجمعات بانزنشستگان صندوق فولاد در برابر ساختمان مدیریت این صندوق، ساختمان مجلس شورای اسلامی، ساختمان سازمان برنامه‌وبودجه، استانداری‌های مختلف کشور و... بوده‌ایم. بانزنشستگانی که در شرایط جسمی و روحی نامناسب خواستار پرداخت حقوق مایهانه خود بودند، تنها کسری از جمعیت ۸۰هزارنفری مستمری‌بگیران صندوق فولاد کشور هستند. در چنین شرایطی اخبار نگران‌کننده‌ای از وضعیت مالی صندوق‌های بزرگ کشور و در رأس آنها صندوق تأمین اجتماعی به گوش می‌رسد. مشکلات این صندوق‌ها اگر به دقت و با روش‌هایی غیر از آنچه سال‌ها آزموده شده و به شکست انجامیده، حل نشود به‌جز آسیب‌های جبران‌ناپذیر اجتماعی به میلیون‌ها ایرانی می‌تواند مسائل اقتصادی و غیراقتصادی عظیمی نیز در کشور به‌وجود بیاورد. سؤال این است که آیا مسئولان صدای زنگ‌هایی را که به صدا درمی‌آیند می‌شنوند؟

عملکرد وزارت امور خارجه را پیگیری خواهید‌کرد یا خیر، می‌گوید: در این زمینه نمی‌توانم از سوی کمیسیون صحبت کنم؛ زیرا دراین‌باره هنوز جلسه‌ای تشکیل نداده‌ایم؛ اما به‌عنوان عضو کمیسیون امنیت ملی می‌گویم از دو، سه دستگاه انتظار پیگیری بیشتری داشتیم.

۳ وزارتخانه در مظان اتهام

علوی با بیان اینکه در این زمینه از وزارتخانه‌های امور خارجه، راه‌وشهرسازی و نفت انتظار پیگیری بیشتر و عملکرد بهتری می‌رفت، می‌گوید: از وزارت امور خارجه انتظار داشتیم در این زمینه با جدیت بیشتری ورود کند، حتی آقای ظریف حضوری به چین سفر و مرادات را برقرار کند؛ اما تحرکات خاصی در این زمینه شاهد نبودیم. جز اینکه سخنگوی وزارت خارجه نکاتی را مطرح کرد، حرکت دیپلماتیک ویژه‌ای را از این وزارتخانه شاهد نبودیم. او در ادامه می‌افزاید: از وزارت راه نیز انتظار می‌رفت به دلیل اینکه این حادثه مربوط به حوزه فعالیت آنها بود، آ‌قلاي آخوندی به‌عنوان وزیری که باید حضوری مسئله را پیگیری می‌کرد، به چین سفر کند؛ اما صرفا مدیرعامل سازمان بنادر و دریانوردی به چین مأمور می‌شود. این نماینده با گرایش از وزارت نفت نیز می‌گوید: از وزارت نفت نیز به‌عنوان مسئول شرکت ملی نفت‌کش، انتظار می‌رفت موضوع را با جدیت بیشتری پیگیری کند (البته در اینجا باید گفت وزارت نفت پس از واگذاری این شرکت، متولی شرکت ملی نفت‌کش ایران محسوب نمی‌شود)، به گفته او، کمیسیون امنیت ملی، سیاست خارجی حتما درباره این موضوع تشکیل جلسه خواهند داد و دستگاه‌های مربوطه را نیز دعوت کرده تا با حضور نماینده اعزامی کمیسیون، این موضوع را به‌طور کامل و جامع بررسی کنند. همچنین این کمیسیون موظف است گزارشی را به هیئت‌رئیس تقدیم کند.

ارتباط راداری سانچی قطع نشده بود

هادی خشناس، معاون دریانوردی سازمان بنادر و دریانوردی، در گفت‌وگو با «شرق» را رد شایعات درباره قطع رادار نفت‌کش ایرانی و کشتی چینی، می‌گوید: به‌هیچ‌عنوان قطع ارتباطی رخ نداده است. **هیچ‌کس نمی‌تواند ادعا کند دریانوردان در لحظات اولیه از بین رفته‌اند** حق شناس همچنین در این گفت‌وگو با رد گفته‌های منتسب به این مقام مسئول درباره کشته‌شدن دریانوردان در روزهای نخست حادثه، می‌افزاید: چنین موضوعی را من بیان نکرده‌ام. در سازمان، تاجایی که حداقل احتمال برای نجات دریانوردان وجود داشت، تلاش‌ها ادامه یافت و هیچ‌کس نمی‌تواند ادعا کند دریانوردان در لحظات اولیه از بین رفته‌اند. هرچند بررسی‌های کارشناسی نشان می‌داد از این انفجار بعید است کسی زنده بیرون بیاید؛ اما با احتمال یک در هزار برای زنده‌بودن دریانوردان، تمام تلاش خود را برای نجات آنها به کار گرفتیم و اگر دوباره چنین شیء شود، باز هم برای اطفای حریق و نجات دریانوردان با وجود احتمال اندک تلاش می‌کنیم و اگر نتوانستیم آنها را زنده بیاوریم، برای جست‌وجوی پیکر آنها وارد عملیات می‌شویم. ما از این کار پشیمان نیستیم. او در ادامه می‌افزاید: درباره سه پیکری که در شانگهای وجود دارد، طبیعی است شرکت ملی نفت‌کش به‌عنوان متولی، آنها را به تهران منتقل خواهد کرد؛ اما درباره دیگران نمی‌توان اظهارنظر کرد؛ زیرا کشتی پیکارچه آتش گرفت و اکنون نیز در ۱۲۷متری کف دریا خوابیده است. این مقام مسئول در پاسخ به اینکه امکان پیداکردن اجساد وجود دارد یا خیر، می‌گوید: این در مراحل بعدی است و اگر تصمیم بر استخراج لاشه کشتی باشد، چنین اقدامی صورت می‌گیرد. این اقدام به صرف هزینه نیاز دارد.

دستور ویژه‌دادستان کل کشور به‌معاون حقوق عامه

در آخرین اخبار، «میزان» خبر می‌دهد حجت‌الاسلام والمسلمین منتظری، دادستان کل کشور، با صدور دستور ویژه‌ای به معاون حقوق عامه دادستانی کل، خواستار بررسی علت بروز حادثه نفت‌کش سانچی شد.

یادداشت

خروج از واپس‌ماندگی‌ها (قسمت دوم)

ضیاء مصباح

● گزارش وزارت نیرو حاکی از آن است که ۸۰ درصد آب‌های زیرزمینی مصرف شده و در روستاها بسیار بیشتر از میزانی که طبیعت جایگزین می‌کند، از سفره‌های آب‌های زیرزمینی استفاده شده و تولید کشاورزی به سبب کاهش منابع آب در بسیاری از مناطق به‌شدت کاهش یافته است، درحالی‌که همه مشکل در کمبود بارندگی نیست و استفاده بیش از ظرفیت طبیعت از منابع آب‌های زیرزمینی به‌وسیله کشاورزان مشکل اصلی است. از سوی دیگر سرمایه‌گذاری در بخش نفت، پتروشیمی و منابع موردنیاز برای خرید خارجی از بانک‌های جهانی تأمین مالی می‌شد که اکنون متوقف شده. بخش نفت و گاز، توقف تأمین مالی از خارج را با ۵۰ میلیارد دلار وام از داخل جایگزین کرده و وام داخلی را نیز بازپرداخت نکرده و فقط تمدید می‌کند. در روستاها قدرت تولید متکی به استفاده از آب‌های زیرزمینی است و تقاضای مصرف به یک پنجم کاهش یافته است. ثروت کشور تنها در حد اداره امور جاری است و پول چندانی برای سرمایه‌گذاری پس از اداره امور جاری، باقی نمی‌ماند. سرمایه‌گذاری به حدود ۲۰ درصد سابق کاهش یافته و بخش بازرگانی و خدماتی متکی به سرمایه‌گذاری، به‌شدت کوچک شده و جذب دستگاه‌های خارجی با موانع بسیاری همراه است که ماجراهای اخیر نیز به آن دامن زد. به گفته رئیس‌جمهور: حدود نیمی از بودجه کنونی کشور نباید در تعهد دولت باشد «تأمین کسری صندوق‌های بانزنشستگی و...» و قیمت حامل‌های انرژی با توجه به جریانات اخیر احتمالا افزایش عمده‌ای نیاز باید، بنابراین منبع درآمد دولت نامناسب خواستار پرداخت حقوق مایهانه خود بودند، تنها کسری از جمعیت ۸۰هزارنفری مستمری‌بگیران صندوق فولاد کشور هستند. در چنین شرایطی اخبار نگران‌کننده‌ای از وضعیت مالی صندوق‌های بزرگ کشور و در رأس آنها صندوق تأمین اجتماعی به گوش می‌رسد. مشکلات این صندوق‌ها اگر به دقت و با روش‌هایی غیر از آنچه سال‌ها آزموده شده و به شکست انجامیده، حل نشود به‌جز آسیب‌های جبران‌ناپذیر اجتماعی به میلیون‌ها ایرانی می‌تواند مسائل اقتصادی و غیراقتصادی عظیمی نیز در کشور به‌وجود بیاورد. سؤال این است که آیا مسئولان صدای زنگ‌هایی را که به صدا درمی‌آیند می‌شنوند؟

در این میان هیچ برنامه‌ریزی دولتی و غیردولتی، قادر به حفظ فعالان فاقد توان رقابت، در این بخش‌ها نخواهد بود و بازار باید کوچک شود. چگونگی گرفتاری‌های دولت و تحمیل بار مالی به او را اقلام بودجه سال آینده نشان می‌دهد که از طریق اعلام اقلام اختصاص‌یافته در ویتترین با نورافکن روشن در معرض دید و قصاصات ملت قرار گرفت. در این شرایط به‌هیچ‌هیچ راه‌کاری از خارج از بازار برای بخش بزرگی از فعالان اقتصادی وجود نخواهد داشت. فعالیت‌هایی که محصولی باکیفیت و ارزان‌تر ارائه می‌دهند، می‌مانند و فعالانی که با کیفیت کم و گرین‌تر از رقیبا تولید می‌کنند، حذف می‌شوند و فقط فعالان اقتصادی می‌مانند که با حجم فعالیت مساوی نیاز به نقدینگی کمتر و نسبت به رقیبا مجموعه درایی آنها در سال گردش بیشتری داشته باشند. اکنون بزرگ‌ترین مشکل بیش از نیمی از فعالان اقتصادی کمبود پول است که به ناچار به استقراض از بانک و بازار روی آورده‌اند درحالی‌که قادر به بازپرداخت استقراض نخواهند بود. دیگر سفره‌های گشاده و بدون حساب و کتاب پیش‌رو ندارند و در این شرایط رو به تحلیل می‌روند. اینان ضمناً «استراتژی خروج از بازار» را نیز ندارند و مدیریت شکست را جزئی از بازی نمی‌دانند، درحالی‌که «استراتژی خروج از بازار» یک ضرورت بوده و باید در برنامه‌ها دیده شود. اصرار به حضور در عرصه تولید با استقراض از بانک و بازار، راهبرد ۹۰ درصد از بنگاه‌های اقتصادی دچارمشکل‌شده در ایران است، رمز بحران بانکی، عملکرد مؤسسات مالی و اعتباری و میزان چک‌های برگشتی به همین نکته و رکود در بسیاری موارد ازجمله ساخت‌وساز بازمی‌گردد. از همه مهم‌تر در این میحت وام‌هایی برای معادن که اصل و فرع آن تمدید می‌شود بدون اینکه در آمار معوقات بانکی نشان داده شود و به شرکت‌هایی مربوط می‌شود که نه منکر بدهی می‌شوند و نه آن را پرداخت می‌کنند و فقط اصل و فرع آن را تمدید می‌کنند؛ به این شکل همه چیز عادی نشان داده می‌شود اما اگر حجم وام‌هایی که اصل و فرع آن تمدید می‌شود، به آمار معوقات افزوده شود، در عمل بانک ورشکسته است و مشکلات بانکی و اصل و فرع وام را تمدید می‌کنند استقراض کمکی به آنها نمی‌کند؛ استقراض فقط زمان ورشکست‌شدن را به تعویق می‌اندازد و... تصویری که آمد، حاصل مطالعه دلسوزانه و عمیق گروهی از کارشناسان اقتصادی درون کشورمان است در هشداری لازم قبل از فراگیری و بروز فاجعه‌ای مجدد در ارتباط با موضوع ضرورت سرمایه‌گذاری و اشتغال باشد. رفع معضلات فعلی تنها و تنها در گرو برداشتن چتر مهیب سیاست از سر اقتصاد کشورمان است که در یادداشت قبل تحت عنوان «خروج از واپس‌گرایی- صفحه ۵» (شرق ۲۱م‌ماه جاری) آن هم با اشاراتی به آن پرداختیم.